

برای محکومیت جنایت وجنایتکار باید فعال بود

طبق گزارشات اخیر که از طریق رسانه ها انتشار یافت، قرار است، محکمه بین المللی لاهه در کشور هالند، به زودی تحقیقاتی را در مورد جرایم جنگی در افغانستان آغاز نماید. قابل یادآوری می باشد که این بار اول است که پرونده های عاملان جرایم جنگی در افغانستان، بررسی خواهد شد. موضوع مهم این هم است که به خصوص عملکرد های نیروهای امریکایی در افغانستان نیز شامل این بررسی ها خواهد بود.



پخش این خبر از یک سو قابل تایید بوده و باید از آن با جبین باز استقبال کرد، از جانب دیگر سوال برانگیز نیز می باشد. زیرا در طول سی سال یا بیشتر از آن، یعنی پس از کودتای ننگین هفت ثور و متعاقب آن تجاوز عریان قشون سرخ

شوروی سابق، آتش جنگ در کشور ما جریان داشته، و باعث قتل دوملیون انسان بی گناه و بیشتر از پنج ملیون معیوب و آواره گردید و با تأسف تاکنون روز به روز به تعداد آن افزوده می شود. که به اساس موازین حقوق بشر باید عاملین این همه جنایات و قتل مردم بی گناه به اسناد و مدارک شناسایی شده و به پنجه قانون سپرده می شد، ولی دادگاه بین المللی به محاکمه کشاندن جنایت کاران جنگی در افغانستان کمتر علاقه نشان داده و صرف سازمان حقوق بشر ملل متحد به گزارشات کتبی اکتفا می کرد و بس.

یکی از محاکم دیگری هم بنام دیوان جزای بین المللی وجود دارد که از تاسیس آن بیشتر از هشت سال می گذرد و افغانستان نیز عضویت آن را دارد. صلاحیت های این دیوان صرفا به جرایم جنگی که پس از سال ۲۰۰۰ میلادی به وقوع پیوسته باشد، تطبیق می شود. در افغانستان اکثریت جرایم جنگی قبل از این سال صورت گرفته است. و اکثر جنایت کاران جنگی در حکومت فعلی دارای مقام های بلند بوده و حکومت افغانستان و ریاست سازمان به اصطلاح حقوق بشر در افغانستان تمام دوسیه های جنایت کاران را به محکمه و یا دیوان جزای بین المللی تحویل نداده و هم در پارلمان

افغانستان همان جنایت کاران و مجرمین جنگی خود را از تعقیب محاکم عدلی تبره کرده اند. از جانب دیگر حکومت موجود افغانستان تا حال نتوانسته است موضع مستقل و متکی بر منافع ملی اتخاذ کرده توجه جامعه بین المللی را که در افغانستان تأثیر دارند، به محاکمه جنایت کاران جنگی جلب کند.

همه می دانیم که مردم افغانستان در طول سی و چند سال گذشته تا چه اندازه رنج کشیده اند و تا چه حدی کارد رنج آور در استخوان های شان رسیده است. کمتر کسی یا گروهی را پیدا می کنیم یا این که هیچ پیدا نخواهیم کرد که ازین واقعیت چشم پوشی نماید. ولی در معرفی و شناختادن نیروهای مقصر و دامنه اعمال رنج آور، توافقی وجود ندارد. شاید چند تذکر این اختلاف نظر را بیان کند، نظری که گاهی به صورت نوشته واکثرا بدون آن در محافل و مجالس و صحبت ها گفته می شود:



با کودتای
ننگین هفت
ثور قتل و
کشتار

دراغانستان آغازگر دید ولی شاخه خلقی های باند (خلق و پرچم) به خصوص خلقی های وابسته به گروه حفیظ الله امین « امینی ها » می گویند، در دوران تره کی و امین هرچه ستم سرزده است ، آن دو خبر نداشتند. تمام جنایات را اسد الله سروری انجام داده است !

همچنان طر فداران تره کی مخالف حفیظ الله امین و پرچمداران ببریکی، حفیظ الله امین و « سی ای ای » رامسول قلم داد می نمایند. مشخصه آن ها از نظر زمانی هم این است که ظلم و تباهی و شکنجه و آزار را تا آن وقت قبول دارند. از نظر وابسته گان ببریک کارمل تمام جنایات و قتل و قتل فقط در دوران امین صورت گرفته است ! ولی در زمان زمامداری ببریک کارمل خود سری های از طرف دستکاه خاد و شخص نجیب الله وجود داشته است .

شکنجه گران خاد یا بهتر گفته شود ، خادیسست ها و طرفداران داکترنجیب الله ، نجیب الله رییس دستگاه جهنمی خاد وبعدا رییس شورای انقلابی - همه "الله و بلا" را برسر انحرافات و اشتباهات رهبران پیشین می اندازند !

بعد از سقوط رژیم دست نشانه اتحاد جماهیر شوروی و به میان آمدن حکومت تنظیم های جهادی سابق و جنگ های قدرت میان تنظیم ها، گلبدین حکمتیار هم از تنظیم جمعیت اسلامی و شورای نظر شکایت داشته و دارد که در کشتار مردم کابل و خرابی « شهر تقصیر» دارند و خودش چهره

مورچه بی آزار را به خود می گیرد و با تاسف که حکومت فعلی می خواهد قاتل پنجا هزار شهروندان



کابل و سایر ولایات افغانستان را بار دیگر برگردۀ باشندگان مظلوم افغانستان سوار نماید و قرارداد ننگین را باوی به امضا رسانیده و از تمام ارتکاب و جنایت و راکتباری هایش چشم پوشی می نماید.

این مثال ها را اگر بیشتر بیاوریم ، می بینیم که هیچ کس در آن افغانستان خونین سهمی در

خونریزی و مصیبت های دیده شده ندارند ! شاید روزی هم بشنویم و یا بخوانیم که طالبان و جنایت کاران داعشی نیز بگویند در آن همه قتل قتال ، گروگان گیری و مردم آزاری ، آتش سوزی ، و مهاجر سازی مردم بی گناه افغانستان دست نداشته اند.

اما آخر، آن همه آزار مردم ، شکنجه، اعدام و وطن دوستان ، آن همه توهین ، تحقیر در حق مردم ، آن همه استخدام جبری جوانان و نوجوانان به عسکری و جنگ ، آن همه قبرستان های که در کابل و ولایت افغانستان به وجود آمده و آن همه قبر های دسته جمعی که تاکنون در شهر کابل و سایر ولایات پیدا شده، آن همه قطع درختان، بمباردمان ها، ویران کردن خانه و قصبات، باغ ها ، سرک ها ... کار کی و کدام گروه و نیروهای وابسته بوده است؟

آن چه مسلم است، در افغانستان نتایج ویرانی و آزار اذیت و معیوب سازی را شاهد هستیم . مگر چه بهتر با انتشار اسناد با معرفی عوامل جنایات ضد بشری و خیانت های ملی فریاد دادخواهان را بلند نموده با معرفی جنایت کاران خلقی و پرچمی ، تنظیمی و طالبی و بالاخر داعشی به دادگاهی بین المللی، دین وجدانی، ایمانی و انسانی خویش را در مقابل مردم زجر کشیده و مظلوم خویش ادا نماییم.